بیشتر دقت کنیم! (۴)

رضا مختاری

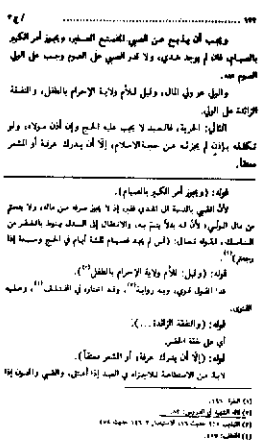

تصویر صفحه‌ای از کتابی فقهی که در سالهای اخیر تصحیح و نشر شده است

تصویر بالا صفحه‌ای از کتابی فقهی از علامهٔ حلی ـ قدس سره ـ است که همراه یکی از شرحهای معروف آن به چاپ رسیده است. همچنانکه ملاحظه می‌شود علامه در متن فرموده است: «و قیل: **للامّ ولایة الإحرام بالطفل**» و مصحّح در پانوشت شمارهٔ ۲ گفته است: «۲ـ قاله الشهید فی الدروس: ۸۲». در حالی که علامه حلی متوفای ۷۲۶ و شهید اول متولد ۷۳۶ است و بنابراین شهید اول چندین سال پس از وفات علامه حلّی به دنیا آمده است و نمی‌شود مراد علامه از «قیل» شهید اول باشد، گرچه اشکالی ندارد مصحح متذکر شود که شهید هم چنان نظری داشته است، ولی این غیر از آن است که مراد علامه چه کسی بوده است.

باری، می‌دانیم که علامه حلّی بسیار تحت تاثیر محقّق حلّی است ـ این جانب در مقدمهٔ **غایة المراد** این مطلب را مبسوطاً بحث کرده‌ام ـ و در اینجا وظیفهٔ مصحح ـ حداقل ـ این بوده است که برای یافتن قائل این قول به آثار محقّق حلّی رجوع کند. و از قضا همین مطلب در آثار محقق یافت می‌شود. محقق گرچه در **شرائع** (ج۱، ص۲۰۰، چاپ بقال) فرموده: «**قیل للام ولایة الإحرام بالطفل**» ولی در **معتبر** (ج۲، ص۷۴۸) همین قول را اختیار کرده و فرموده است: «وللامّ أن یحرم بالصبي ... عملاً بالروایة التی تلوناها» و معلوم می‌شود محقق نیز قائل به این قول است. خلاصه کلام اینکه قیل در کلام علامّه هرگز نمی‌تواند اشارهٔ به سخن شهید در **دروس** باشد، بلکه مرادش برخی فقهای پیش از اوست که یکی از آنها محقق ـ در **معتبر** (ج۲، ص۷۸۴) است. و پیش از محقق نیز شیخ در **مبسوط** (ج۱، ص۳۲۹)، و به گفته صاحب مدارك (ج۷، ص۲۶) «اکثر اصحاب» قائل به این قول بوده‌اند.

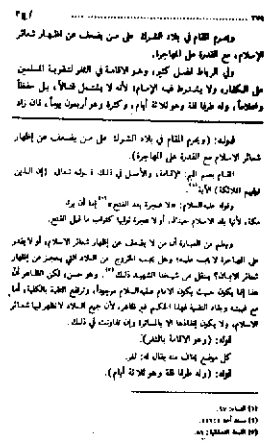

تصویر دیگری از همان کتاب

تصویر بالا صفحه‌ای دیگر از همان کتاب است. در این صفحه شارح فرموده است: «مهاجرت از بلاد مخالفان نیز ـ مانند بلاد کفار ـ واجب است» و تعبیر شارح این است: «یُنقل عن شیخنا الشهید ذلک» و مصحح با شماره ۳ آن را به **لمعهٔ دمشقیه** ارجاع داده است. در حالی که شهید در **لمعه** ابداً چنین مطلبی نفرموده است بلکه این مطلب در حاشیهٔ **نجّاریهٔ** منسوب به شهید اول، (ورقهٔ ۵۳ الف، نسخهٔ خطی مجلس شورا، کتابخانه شمارهٔ ۲) آمده است. و تنها سخنی که شهید در **لمعهٔ دمشقیه** در این باره دارد این است ـ و پیداست که ربطی به سخن بالا ندارد ـ: «و یحرم المقام فی بلد الشرك لمن لا یتمکن من اظهار شعائر الإسلام». و جالب اینجاست که شهید ثانی در شرح همین عبارت، در شرح **لمعه** (ج۲، ص۳۸۳، چاپ کلانتر) فرموده است: «والحق المصنّف فیما نقل عنه ببلاد الشرك بلاد الخلاف التی لا یتمکن فیها المؤمن من اقامة شعائر الإیمان ...».

و روشن است که اگر در متن **لمعه** بود چنین عبارتی معنا نداشت.

****